

سَلَّمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ بَيْتِهِ وَكَرَّمَ اللَّهُ بِقَلْبِهِ سَلِيمَ الْمُؤْمِنِ الْأَمَانِ
خلق است بر سید کردن و سبب امان و امان دهنده است از آفات خوف
یکبار و چند جا فرمود لاله الا الله حصینی و من دخل حصینی آمن من
عدو ابی طالب این کلمه حصین است از آفات دنیا و آخرت و گفته اند که مؤمن
از ایمانی بیخ مصدق است ذات خود را در صورت قبول خود شنیده اند
انه لاله الا هو و رسول خود را در رسالت قبول خود محمد رسول الله و ادان
موجبات و مصیفات رحمة الله علیه در شرح مصباح گفته است ای الذی
لخصه فی عباده و عده و یفتح سیم یوم غیر فرات است ای المؤمن بدو
نصف نبیه ازین اسم است که چون دولت امان و صند است و طاعت
هرگز در وعده او نیست تعالی پس هرگز نرفتن مگر شیطان التجانی بل او درین
از جمیع آفات ظاهری و باطنی نبرد طلبه و در امتثال امر و نهی اوسع تمام
و تخلف باین اسم است و خلق را این گرداند از شر خود در بر رفتن و عده خود عمل
کنند و سبب دفع خوف و هلاکت اینان گردد خواه در خواب و در بیداری
چنانکه خدا تعالی اموال مؤمن است یعنی امان دهنده همچنین خوف است بقیه اسباب
خوف چنانکه معز و عدل است باقی و ضار است یعنی اطلاق خوف در شرح
و اسرار الله و توفیق است المہمین و دعوت یعنی گواهی است و بقیه که این کلمات
دیگر بر از خوف باقی آن امن است که در اصل آن مؤمن بوده است فمؤمن
اسم فاعل است یعنی چون اجتماع مؤمن است مؤمنه تا نبرد با جبار
یعنی او را باها مانند از آن الما و هر آینه که آنرا لواطح نماید که مقتضای تعالی
عز و انت که هرگز تا نبرد با کسان است برای انفتاح با قبل با عفت بدل می زند

در این

و در بعضی شروع است که قول مذکور با وجود تکلف خطاست ازین جنبه که
در امر حسنی نامور است و در آنها به نسبت المہمین الصیام و غیره ازین نام
محمد غزالی گفته است که بعضی مہمین در حق تعالی است که نام است بر خلق تعالی
و از اذن و احوال ایشان و مہمین یعنی مبالغه در مراقبت و حفظ نیز آن است
من یتمن الظاہر لشر کرده است برغ باطن خود را بر چه می خود برای حفظ
و بر مہمین تقدیر بر هیچ تکلف و خطای نیست نصب بنده ازین اسم است که چون
دانت که حق تعالی مطلع است بر احوال ظاهر و باطن او ازین کلمه که غزالی
احوال خود در شرح دارد از وی گمان است که در زمان نوم این را در اعبیه
گویند و حق باین اسم است که مراقبت و محفظ باشد بر احوال خود در است
و درست گرداند آن احوال را که در قیام نماید بکفایت احوال بنده ای ظاهر
سواد درین و پس نصب وی ازین اسم او فریاد باشد از غم و بینه غالب
قوی و فرمانده است و بنده چون شناخت کرد است تعالی عز و عزت در دست
و طاعت او خود در هیچ احدی منتظر عزت نکند و در کسی که خدا را در عزت
داده و بعد از عزت و کس رسول المہمین و در حق تعالی که بر هوای نفس و مگر
شیطان غالب بود و آب می خورد و ایطع و سواد از غیر وی نیز در اینجا از هر کس
بسیار و بیگونی حال که در بر غلبه بر کاری در شنید که او بینه عزت و امان
نیز آن پس خدا تعالی است هر کس که نگذارد و بیگوستنده حال به حال آن
که موجود است در تحت مشیت او بندگی کرده و گواهی کند از انشا او بر حق است
خود سبحان من اعلم العباد و تعالی اراد و مستعلا و مرتفع است من ارسده
باید که در این شگسته دل بوده ملحق باین باب باشد تا شگسته او را بند و حال او را

Copyrighted by University